

دیوار زر :

آثار تاریخی و معماری پهلوی در شهر باختر جابر طرخان

« آستراخان »

دکتر پرویز ورجاوند

استاد باستانشناسی و مردم‌شناسی دانشگاه تهران

برخی دیگر از شهرهای اتحاد شوروی نه تنها نتوانسته است چهره‌ای مطلوب و زیبایی خاص، بیافریند بلکه به حالت بومی و چهره صمیمی معماری شهر نیز لطمه وارد ساخته است.

ناچیز بودن فضای سبز و دار و درخت در شهر چشم گیر است. در بیشتر جاها بجای گلکاری و باغچه‌های مرتب با علفهای بلند و بوته‌های نامرتب شمشاد برخورد میکنیم. در مجموع با اینکه این شهر در کنار یکی از پرآب‌ترین رودهای جهان قرار دارد از آن بوی خشکی بمشام میرسد و از طراوت و سرسبزی در آن خبری نیست. مسئولان امر میگفتند که میزان بارندگی در این شهر حد اکثر از ۱۴۰ میلیمتر در سال تجاوز نمیکند، مطلبی که هنوز هم قبولش برای من مشکل است. باری بد نیست قبل از آنکه از معماری

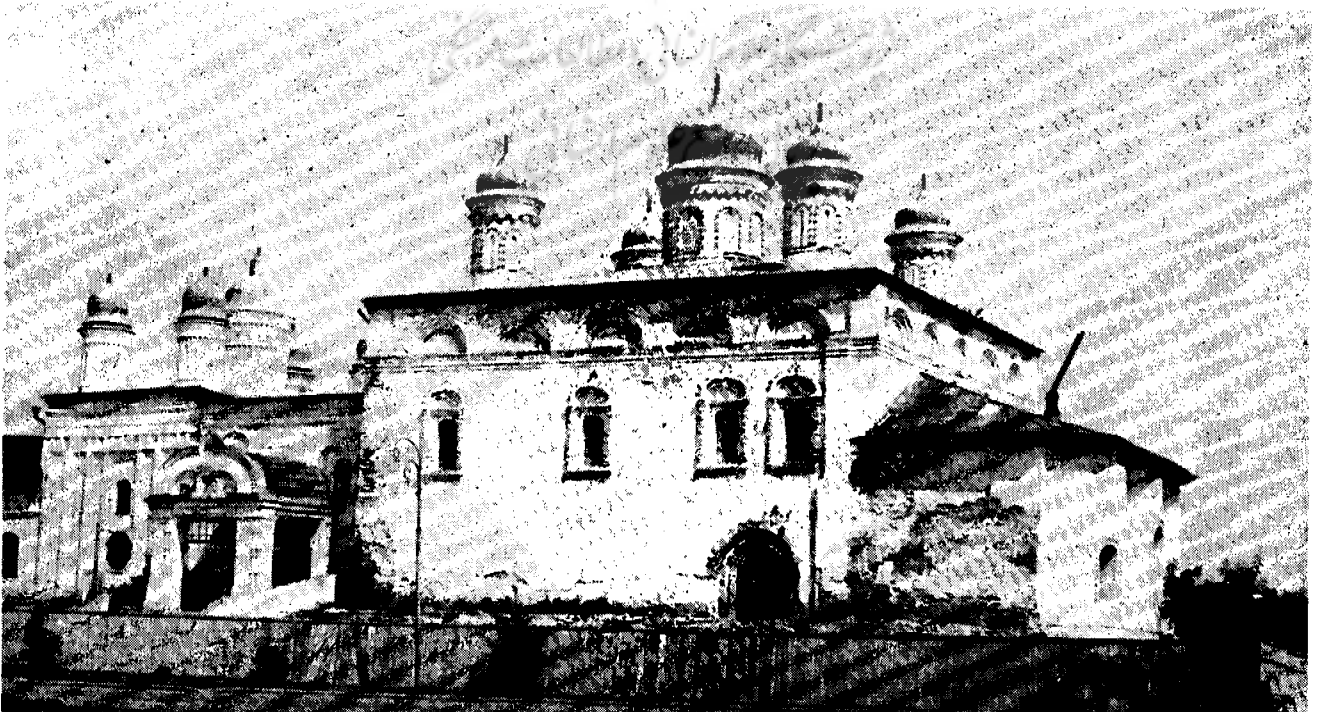
بومی شهر و بناهای تاریخی آن صحبت کنم از موقع آن و سابقه تاریخی این شهر یاد

واحدهای ساختمانی قسمت قدیمی شهر میرسیم. در اینجا با خانه‌های جالب چوبی برخورد میکنیم که هنوز در مجموع میتوانند معرف محلاتی از یک شهر قدیمی باشند.

در قسمت تازه شهر نیز جابجا با بناهای چوبی خاص منطقه برخورد میشد. ولی بر رویهم معماری جدید شهر نظیر

روز شانزدهم خرداد ۱۳۵۲ برابر با ششم ژوئن ۱۹۷۳ حدود ساعت ۱۴ بعد از ظهر بوقت محلی، از مسکو به «آستراخان» وارد شدیم. فاصله فرودگاه تا شهر از منطقه‌ای میگزرده که در آن از کشاورزی خبری نیست و بیشتر به مناطق خشک میماند. با گذشتن از روی پلی که بر روی ولگا بسته شده است به اولین

تصویری از کلیسای ترینیته واقع در قلعه گرمین آستراخان



کنم. حاجی طرخان یا آستراخان در فاصله ۱۰۰ کیلومتری از دریای خزر و بر ساحل چپ رود ولگا قرار دارد.

آغاز بنای آستراخان را به قرن سیزدهم و زمان حمله مغول مربوط میدانند. پیش از آن در این محل روستای کوچکی بوده است. در حدود سال ۱۲۳۷ میلادی مغولان به سرداری باتوخان در قسمت وسیعی از ولگا استقرار مییابند و در سمت راست ولگا (آنسوی شهر کنونی) شهرکی را و یا بهتر بگوئیم محلی را برای استقرار بوجود میآورند و چادرهای گنبدی شکل خود را با قبه‌های طلائی رنگ برپا میدارند و خان آستراخان در آنجا مستقر میشود. سرزمین تحت فرماندهی مغولان در این قسمت و دنباله آن بنام مملکت «اردوی زرین» خوانده میشود. دولت مزبور در برخی از قسمتها تا سال ۱۵۰۲ به حیات خویش ادامه میدهد.

آستراخان بتدریج توسعه مییابد و گسترش پیدا میکند تا اینکه تیمور بقدرت میرسد و در سال ۷۹۸ ه. ق. باینسو میتازد. میگویند زمانیکه تیمور به نزدیک شهرک مزبور میرسد ساکنان آن با قطعات یخ؟! دیوارهایی جهت دفاع برپا میکنند. تیمور پیغام میفرستد که اگر تسلیم شوند با آنها کاری نخواهد داشت. ساکنان شهر دروازه‌ها را بروی او میکشایند و تیمور برخلاف قول خود تمامی شهر را میسوزاند و از بین میرد.

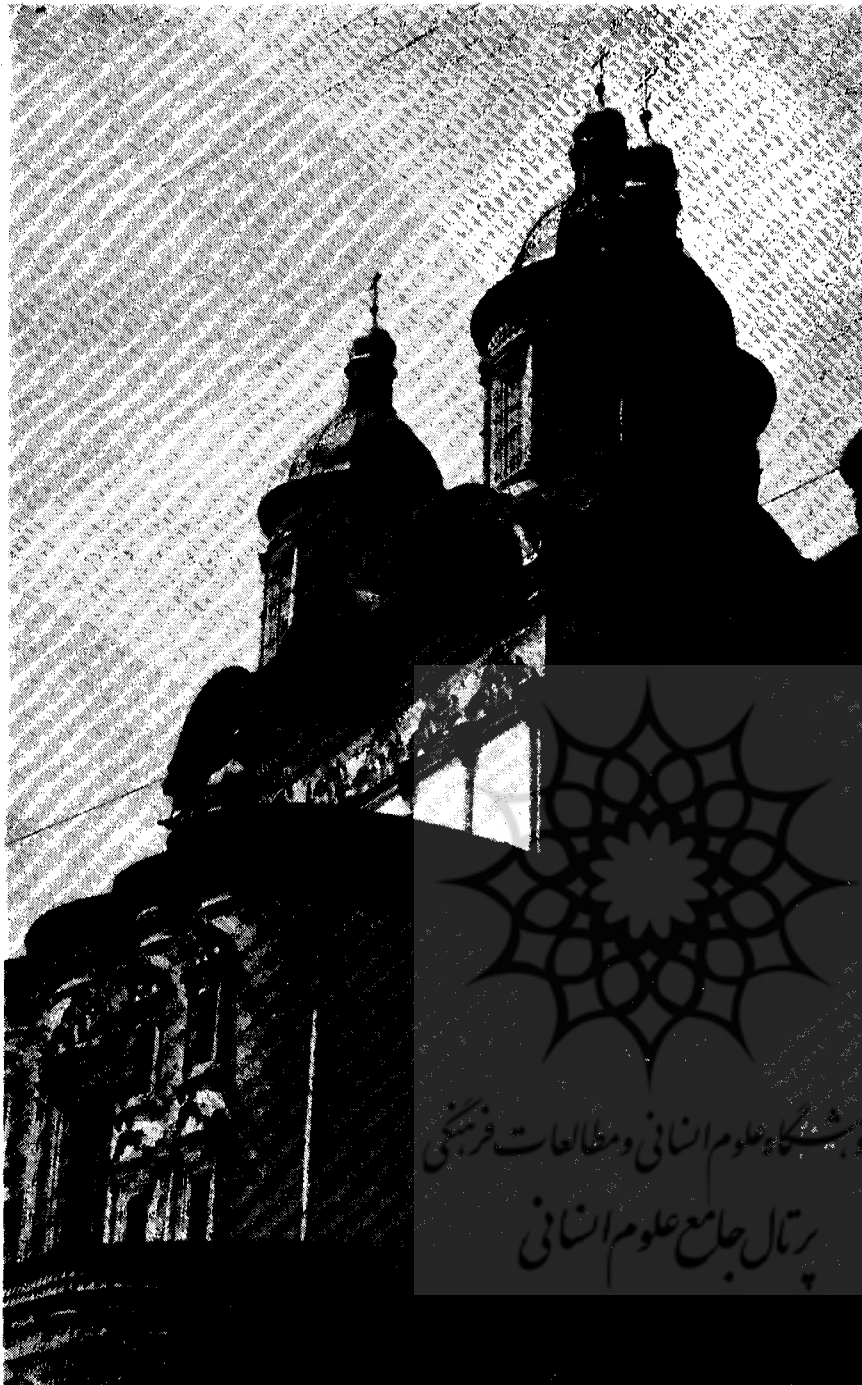
پس از آن در اینسوی ولگا (دست چپ) در مرکز شهر کنونی بنای شهر دیگری بنیاد میگردد. در جریان انحطاط مملکت «اردوی زرین» در حدود سال ۸۷۱ ه. ق. برابر با ۱۴۶۶ میلادی خاندانی از خانهای تاتار در حاجی طرخان مستقر میگردد و در سال ۹۱۰ ه. ق. آستراخان بعلت مداخلات خان کریمه و در برابر دولت عثمانی از تزار روسیه استمداد میطلبد. سرانجام در سال ۹۶۲ ه. ق. برابر با ۱۵۵۴ میلادی روسها



سازمان علمی و تحقیقاتی
پرتال جامع علوم انسانی

نمای کلیسای اوسپنسکی قلعه کرملین آستراخان. در این تصویر، ضلع سمت چپ بنا که از خارج قلعه نیز دید دارد، با تزئینات پرکارش دیده می‌شود

خانان هشترخان را فتح میکنند و خانی را بر آنجا منصوب میکنند. چون خان مزبور باخان کریمه همدست میشود او را خلع میکنند و خانان هشترخان (حاجی طرخان)



تصویر دیگری از کلیسای اوسپنسکی آستراخان

یا آستراخان را ضمیمه خاک خود میکنند^۴.
از جمله حوادثی که بر آستراخان
گذشته است اینکه در اواسط قرن شانزدهم
زمانی که میرفته است شهر جانی بگیرد
مرض وبا در شهر درمیگیرد و گروهی
فراوان از مردم را میکشد.

ثروتمندان و آنهایی که از این بلا
جان سالم بدر برده بودند برای آنکه از
خشم طبیعت و غضب خداوند بکاهند
پولهایی میپردازند تا موجبات بنای کلیسای
بزرگی فراهم آید.

با این پول کلیسای «ترینیت» ساخته
میشود که به اعتباری کهن ترین بنای قلعه
کرمین آستراخان بشمار میرود.

پس از آن در قرن هفدهم شهر
گسترش بیشتری پیدا میکند و به بناهای
عظیم آن افزوده میشود و قلعه تاریخی
کنونی آن پا میگیرد. سرانجام پطر کبیر
آنجا را تسخیر میکند و به پاس این پیروزی
کلیسائی را در کنار مجموعه کلیساهای
کرمین درمسکو برپا میسازد.

در دوران صفویه وقاجار این شهر
از نظر فعالیت بازرگانی دارای اهمیت
خاصی بوده و سه گروه عمده در آنجا
ببازرگانی مشغول بوده اند و سراهائی
خاص خود داشته اند. آنها عبارت بوده اند
از تجار ایرانی مسلمان - ارامنه و تجار
هندی. آستراخان در سالهای بین ۱۷۲۲ -
۱۷۶۷ میلادی بندر ناوگان دریای
خزر بشمار میرفت.

در حال حاضر آستراخان مرکز
عمده فعالیت های مربوط به صید ماهی است
و از جمله یکی از بزرگترین انستیتوهای
پژوهش و آموزش در زمینه فعالیت های
مربوط به صیادی با ۶۵۰۰ دانشجو در این
شهر بکار مشغول است. آستراخان
همچنین محل بارگیری نفت استخراج
شده از باکو بشمار میرود و بخش عمده ای
از فعالیت های کشتیرانی مربوط به رود ولگا
و دریای خزر توسط ساکنان این شهر
صورت میپذیرد.

بناهای تاریخی قلعه کرملین استراخان :

به خوبی نمیدانم چرا نام این قلعه را که در قلب شهر و بر فراز بلندی قرار دارد قلعه کرملین گذارده‌اند. شاید شباهت آن به قلعه کرملین موجب این نام‌گذاری در سالهای اخیر شده باشد بنای خود قلعه و هفت برج آن مربوط به نیمه دوم قرن هفدهم است. برج بزرگ و بلند هفت طبقه قلعه که بر روی ورودی بنا شده است تاکنون چندین بار ویران گردیده و آخرین بار در زمان نیکلای دوم در اواخر قرن نوزدهم ساخته شده است.

بنای قلعه تمامی با آجر است و تنها بر روی آن پوششی از گچ سفید کشیده‌اند. در گذشته در برابر کلیسای بزرگ برج بلندی قرار داشته است که پس از تسلط یافتن «استپان رازن» قزاق معروف روس

۱- در خردادماه سال جاری هیأتی از ایران برای تبادل نظر و مذاکره و عقد یک پروتکل بمنظور جلوگیری از آلودگی دریای مازندران و حفاظت محیط زیست پیرامون آن عازم مسکو گردید که نگارنده نیز در آن عضویت داشت. آنچه که در این نوشته آمده حاصل بازدید است که در جریان این سفر از استراخان بعمل آمد. در اینجا باید بگویم آنچه مرا بر آن داشت تا به تهیه و تنظیم این مقاله پردازم عبارت بود از نام‌آشنای «حاجی‌طرخان». در اغلب نوشته‌های تاریخی و سفرنامه‌های سفرنامه‌نویسانی که از روسیه با ایران سفر کرده بودند مکرر با این نام برخورد کرده بودم. این همه حکایت از رابطه بازرگانی گسترده‌ای میان ایرانیان و ساکنان این شهر و منطقه داشت. از این رو بی‌مناسبت ندیدم تا ضمن معرفی آثار تاریخی و معماری چوبی جالب این شهر، درباره سابقه تاریخی آن نیز که در مجموع با حوادث تاریخی ایران در دوران حمله مغول و تیمور بی‌ارتباط نیست به اختصار مطالبی را بیان دارم. به گمان من، برای آنکه بتوانیم در امر بررسی و تجزیه و تحلیل حوادث و رویدادهای تاریخی سرزمین خود چنانکه باید توفیق بیابیم، ایجاب میکند تا از چگونگی آنچه که در پیرامون ما و نواحی که با ما در ارتباط بوده‌اند، گذشته نیز آگاهی داشته باشیم.



تصویری از برج هفت طبقه قلعه کرملین استراخان که بر روی ورودی قلعه بنا شده است



تصویری از يك خيابان فرعی آستراخان . در این تصویر ، تعدادی از خانه‌های زیبای چوبی شهر دیده می‌شود . چنانکه مشاهده می‌گردد دیوار حیاط خانه‌ها نیز از چوب ساخته شده است

ستون سترك و مرتفع گنبد میانی را نگه داشته‌اند . شکل داخل کلیسا با آنچه در اصل بوده به شدت متفاوت است خوشبختانه وجود عکسی از اوایل قرن بیستم روشنگر آنست که در تعمیر این اثر تاریخی تا چه حد بی‌سلیقگی روا داشته‌اند . بر اساس مدرک مزبور دیوار مقابل ورودی کلیسا در اصل دارای تزییناتی جالب بوده است . تمامی سطح دیوار به هفت ردیف تقسیم میشده و هر ردیف با طاقچه‌هایی با قوسهای مدور در بالا و ستونهایی در دو سو تزیین میشده است . داخل طاقچه‌ها را نیز تصاویر مختلفی بگونه دیوارنگاره (فرسك) زینت میکرده است . ستونهای چهارگانه نیز در پائین دارای چهار قاب بزرگ بوده و بر روی هر يك تصویر بزرگی نقش بوده است .

در جریان تعمیر تمامی آثار دیوار مقابل را از بین برده‌اند و روی آنرا سفید کرده‌اند . همچنین نقشهای روی پایه ستونها را از میان برده‌اند و تالار جالب کلیسا را بصورت يك بنای بی‌روح و ساده جهت نمایشگاه نقاشی در آورده‌اند و تعدادی تابلوی عادی و تازه در آن قرار داده‌اند . در حالیکه اگر کلیسا بهمان صورتی که در عکس موجود مشاهده میشود تعمیر

رنگ گنبدها سبز و بر فراز هر يك قبه بلندی برنگ طلائی به شکل گنبد و پایه زرین آن وجود دارد . از نظر رنگ آمیزی وجود رنگ سفید بر روی تمامی کلیسا و سپس پایه‌های سفید رنگ گنبدها و بر فراز آن گنبدهای سبز رنگ و قبه‌های طلائی حالت و جاذبه خاصی در این اثر بوجود آورده است . از نظر نماسازی باید گفت که در این اثر تا حد فراوان از قرینه سازی خودداری شده است ولی این کار حساب شده و آگاهانه نبوده از اینرو مجموعه را از تناسب خارج کرده است . از جمله در جانب چپ بنا و قسمتی که از بیرون قلعه و ورودی آن دید دارد بایک نماسازی به نسبت پرکار بر روی يك حجم برآمده بصورت چند نیم برج برخورد میکنیم که سمت راست کلیسا و محل ورودی از آن بی‌بهره است و بیننده چنین فرض میکند که واحد قرینه آن در این سو ویران شده است . همچنین در نماسازی تزیینی بنا که مشرف بر فضای داخل قلعه است ، در طرح پنجره‌های گونه‌گون سه‌گانه پائین ، نوعی ناهم‌آهنگی چشم‌گیر مشاهده میشود که از ارزش اثر میکاهد .

طرح داخل کلیسا عبارتست از يك تالار چهارگوش که در وسط آن چهار

بر استراخان افرادی را که از آنها خوشش نمی‌آمده از فراز آن به پائین می‌انداخته‌است .

کلیسای تریبیتنه :

چنانکه گفته شد این کلیسا قدیمی‌ترین واحد معماری قلعه بشمار میرود این کاتدرال در قرن شانزدهم و حدود صدسال پیش از کلیسای بزرگ ساخته میشود .

نخست بنای آن از چوب بوده ولی بعد آنرا از مصالح بتائی میسازند . در حال حاضر نمای بیرونی آن معرف آنست که سالها متروک افتاده است .

کلیسای اوسپنسکی

میگویند سازنده نخستین این بنا زارعی بیش نبوده است و برای ساختن این کاتدرال صد روبل در اختیار او میگذازند .

در اواسط قرن هفدهم بنای آن با طرح يك گنبد انجام میگيرد ولی چندی بعد فرو میریزد و دربار دوم گنبد میانی را با اتکاء بر پنج گنبدی که در چهار گوشه بنا قرار دارد و فشارهای جانبی گنبد میانی را خنثی میسازد برپا میکنند . پایه گنبدها دارای ارتفاع زیاد و چند ترك است .

رنگامیزی هستند و در این حالت بطور معمول دوره مثبت کاری زیبای پنجره‌ها بارنگ سفیدترین شده است. ریزه کاری در قسمت‌های مثبت کاری خانه‌ها دارای ارزش بسیار است و معرف آنست که صاحبان خانه‌ها برای چیزی که متعلق به آنهاست و به دست خودشان بنا شده علاقه‌ای خاص نشان داده‌اند. آخر مگر نه اینکه يك عمر در آن به سر خواهند برد بنابراین چرا که تا حد ممکن زیبا نباشد.

خانه‌ها تمامی دارای فضای مناسبی بعنوان حیاط هستند که برخی در محوطه آن سبزی کاری کرده‌اند. جالب اینکه دیوار حیاط‌ها نیز تمامی از چوب ساخته شده و درهای ورودی نیز از چوب است و اغلب از تزیینات خاصی بهره‌مند هستند. وجود این دیوارهای چوبی بهم پیوسته در دوسوی خیابانها به بخش عمده‌ای از شهر روحیه جالب و خوش منظری بخشیده است. در بخشی از شهر خیابانهای فرعی تمامی خاکی هستند.



در این تصویر جزئیات تزیینات مربوط به دیوار حیاط در ورودی و بخشی از یک بنای چوبی در آستراخان مشاهده می‌گردد

تمامی از چوب ساخته شده از ظرافت و لطف خاصی بهره‌مند است. خانه‌های چوبی شهر در قسمت عمده‌ای از آن، بافت همگن و متناسبی را عرضه میدارند که جز در چند جا گسستگی نامعقول در آن دیده نمیشود. این چند مورد مربوط به محل‌هایی است که در کنار معماری چوبی اصیل شهر اقدام به ساختمان آجری یا بتونی کرده‌اند و یکباره فضای مطلوب مجموعه را بهم ریخته‌اند. خوشبختانه هنوز تعداد این بناهای بی‌قواره چندان زیاد نیست. خانه‌های چوبی بسته به حجم و اندازه‌شان از يك تا سه طبقه دیده میشوند. ولی بیشتر آنها يك طبقه است در قسمت پائین از تنه‌های مدور و الوارهای قطور استفاده شده و پوشش تمامی آنها شیروانی شکل است. اکثر خانه‌ها از يك نما سازی جالب چوبی بکمک مثبت کاری در قسمت دور پنجره‌ها، رخ بام بنا و برخی حاشیه‌ها برخوردار هستند. بیشتر خانه‌ها بدون رنگامیزی هستند و فقط رنگ چوب و الوار است که دیده میشود ولی برخی دیگر دارای

میگشت خود آن به تنهایی نمایشگاهی ارزشمند بشمار میرفت و چنین لطمه‌ای نیز بیک اثر تاریخی وارد نمیگشت. در زیر بنای کلیسا تعدادی قبر متعلق به مقامات مذهبی و بزرگان گذشته شهر وجود دارد. درباره محوطه سازی حیاط قلعه باید گفت که اسفالت کف و باغچه‌های تازه آن به فضای خاص مجموعه لطمه وارد ساخته و گیرائی اثر را کاهش داده است. جالبتر این بود تا سطح قلعه را بصورت سنگ فرش حفظ میکردند و وصله ناهم رنگ به آن نمیزدند.

معماری بومی و چوبی آستراخان:

آستراخان از جمله شهرهایی است که هنوز قسمت عمده شهر قدیمی آن برجای مانده و به حیاط خود ادامه میدهد. توسعه و گسترش شهر آنچنان صورت نگرفته است که دو واحد جدید و قدیم را از هم جدا سازد. چیزی که در آستراخان سخت جلب توجه میکند عبارتست از معماری جالب بومی آن. آثار این معماری که

۲- برای اطلاع بیشتر از سابقه تاریخی و رویدادهای این منطقه به دائرة المعارف فارسی مصاحب مراجعه شود.

۳- یکی از دلایلی که من را بر آن داشت تا درباره معماری چوبی و بومی آستراخان صحبت کنم، شباهتی است که بین آن و معماری چوبی رایج در دشت گرگان و ترکمن صحرای ایران وجود دارد. پدیده‌ای که نشانه و معرف ارتباط و تماشای وسیع میان ساکنان نواحی ساحلی دریای خزر است.